

۹۳/۳/۲۵

• دریافت

۹۴/۸/۱۸

• تأیید

پردازش تحلیلی بازتاب خیزش‌های انقلابی الجزایر و عراق در اشعار محمد العید آل خلیفه و معروف الرصافی

عبدالعلی آل بویه لنگرودی *

ابراهیم ناطق تجرق **

علی خالقی ***

چکیده

جهاد و مقاومت تبلور روح ایمان و آزادگی است که در دو قرن گذشته با ظهور پدیده شوم استعمار، مفهوم آرمانی به خود گرفته است. این مبارزه مقدس دست‌مایه‌ی هنرنمایی شاعرانی است که نغمه‌سرایان، شهادت‌نامه پیکرهای خونین ملت‌هاست. الجزایر و عراق از جمله کشورهایی هستند که آرزوهای ملتشان در دوره‌ای از تاریخ با دست‌های پلید استعمار به یغما رفته است. تاریخ معاصر شاهد صفحه‌ای تاریک و دردناک از ستم‌های استعمار فرانسه در الجزایر و انگلیس در عراق است که نمود واقعی آن در سروده‌های پر احساس و واقع‌گرایانه شاعرانی چون محمد العید و معروف الرصافی قابل مشاهده است. شاعران هم‌عصری که از نزدیک شاهد بیداد استعمارگران در کشور خویش بوده و همانند ملت خود، بیداد اشغال‌گران را از نزدیک لمس و درک کرده‌اند. در جستار حاضر اشعار سیاسی دو شاعر به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت تطبیقی بررسی شده که حاوی نتایج مذکور است: دو شاعر با سبکی کلاسیک در اشعار خود از دایره فردیت خارج و به زبان گویای مردم خود مبدل می‌گردند؛ هر دو شاعر از سنت‌های عربی و دینی بهره می‌برند. گرچه اشعار رصافی بیشتر جنبه مذهبی و شعر محمد العید بیشتر بر مدار ملی‌گرایی می‌چرخد، هر دو دارای زبان شعری ساده و به دور از تکلف و تصنع هستند و العید از تشبیهات بیشتری نسبت به رصافی استفاده می‌کند و زبانش تندتر و گزنده‌تر از اوست. معانی شعر هر دو روشن و از عبارات روان و الفاظ آسان تشکیل شده است. قصائد سیاسی دو شاعر، آینه تمام‌نمای دردها، پیکار، پایداری و جان‌فشانی مردمان مبارز دو سرزمین است. پیوند ناگسستنی نام دو شاعر با حوادث سیاسی تاریخ معاصر الجزایر و عراق، به‌گونه‌ای است که بیانگر سیر تحولات سیاسی دو کشور در زمان اشغالگری بوده و نشانگر ابعاد مبارزاتی و التزام اجتماعی و سیاسی دو شاعر است.

واژگان کلیدی:

التزام سیاسی، انقلاب عراق محمد العید، معروف الرصافی و الجزایر.

alebooye@hum.ikiu.ac.ir

*دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - قزوین.

**دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - قزوین.

nategh.ebrahim@yahoo.com

***دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - قزوین.

akhaleghi24@yahoo.com

مقدمه

ادبیات مقاومت و پایداری به عنوان زیر شاخه ادبیات متعهد در دوره معاصر از روند کلی ادبیات عربی عقب نمانده و همپای آن، مراحل گوناگون تحوّل مضمونی و ساختاری را طی کرده است. شعر مقاومت از نظر مضمون در بسیاری از موارد، رنگ اجتماعی و سیاسی دارد و دغدغه خاطر نسبت به رویدادهای درون مرزی هست که شاعر را از پرداختن به عواطف شخصی خود دور می‌سازد تا حدی که گاه، شعر غیر متعهد را مورد استهزاء و نکوهش قرار می‌دهد (حجازی، ۱۳۸۷: ۷۷). فلسفه ادبیات مقاومت، زنده نگه‌داشتن روح پایداری و بیداری مردم است. ادبیات مقاومت، ادبیات بیان جنگ «من» است؛ در عین حال که سعی می‌کند تا خواسته‌های گروهی و آرمان‌های وطنش را نیز برآورده سازد، ادبیاتی است که برای تحکیم پایه‌های وجود انسان برای خیر و خوبی، آرامش و برای رویارویی با دشمن تلاش می‌کند. ادبیات مقاومت گویای دردها و رنج‌هایی است که در برهه‌ای از تاریخ بر ملّتی وارد شده و فریادی است شجاعانه در مقابل ستمگران که از ملت‌ها می‌خواهد که ذلّت و خواری را از خود دور سازند. «این ادب پیوسته با مردم می‌جوشد و می‌خروشد و با حالات و مناسبت‌های آنان در رویارویی با دشمنان همسو و همساز، و با جزر و مدهای زندگی مردم همراهی دارد» (آیینه‌وند، ۱۳۷۳: ۱۴۱). برخی از زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات مقاومت عبارت است از: الف) اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ ب) استعمار و استثمار قدیم و جدید؛ ج) غصب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی؛ د) تجاوز به حریم ارزش‌های فردی، دینی، اجتماعی، تاریخی و ملی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی پایگاه‌های قدرت و غیره (خضر، ۱۹۶۸: ۴۵).

در ادبیات عرب، شعر مقاومت از همان دوره جاهلی و اموی در قالب شعر سیاسی سروده می‌شد اما در دوره معاصر بسیار گسترش یافت. در جهان معاصر عرب، بخش عمده ادبیات مقاومت به انقلاب‌های لیبی و الجزایر به منظور آزادی

از قید و بند استعمار ایتالیا و فرانسه و در مصر به مقاومت مردم مصر در انقلاب عربی پاشا علیه ترکان عثمانی و حرکت جمال عبدالناصر در نبرد با اسرائیل و در فلسطین به مقاومت فلسطین و اعراب در برابر اسرائیل و در عراق به انقلاب ۱۹۲۰ میلادی، به رهبری علمای شیعه مربوط است. یکی از شاعران مشهور و معاصر عراقی که اشعار بسیاری در حوزه مقاومت و پایداری دارد، معروف رصافی است. وی نسبت به جامعه خویش، زندگی مردم، مشکلات و رنج‌های آن‌ها واکنش نشان می‌داد. «اشعار اجتماعی او، در بر دارنده رنج و سختی‌های طبقات پایین جامعه است که با زبانی ساده و نزدیک به زبان روزنامه و مجلات، این مشکلات را به تصویر کشیده است. شاعر به فقر و مشکلات مردم تهیدست از دریچه‌ای دیگر نگاه می‌کند و آن را سرانجام ناشی از نادانی و باورهای غلط مردم می‌داند که با خرافات و اوهام درهم آمیخته است. به دنبال این، رصافی با نوشتن چندین مقاله در مجله‌ها و چاپ چندین کتاب در زمینه‌ی باورهای مردم، اعتراض حاکمان را بر می‌انگیزد. از سوی دیگر به دلیل دشمنی رصافی با استعمار، استعمارگران در رد افکار او تلاش می‌کنند و با وارد کردن اتهام کفر و بی‌دینی، مردم را علیه او تحریک می‌کنند» (الرصافی، بی تا: ۶). شاعر با تاثیرپذیری از افکار انقلابی جمال الدین اسدآبادی به وحدت عرب‌ها و ایستادگی در مقابل استعمار انگلیس فرا خواند و «هنگامی که عراق به دست استعمارگران افتاد، برای آزادی کشورش کوشید و با معاهده ۱۹۳۰ میلادی، که بین عراق و استعمار انگلیس امضاء شد، به شدت مخالفت کرد. رصافی از انقلاب رشید عالی کیلانی علیه استعمار، حمایت کرد» (العطبة، ۱۹۹۲: ۲۱).

شعر محمد العید محصول مرحله خاصی از تاریخ الجزایر و بیانگر احساسات ملی، قومی و انسانی شاعر است؛ شعر وی شعری اجتماعی است و غالباً از دایره فردیت خارج شده است. خود او در این باره می‌گوید: «موضعی را که من در شعرم اتخاذ کردم و شیوه ای که در پیش گرفتم، بیان وجدان امت بود و اگر در مورد

برخی اشخاص شعری گفتم به این دلیل بوده که آن را جزئی اساسی از کار ملی و قومی خود تلقی کرده ام». الفاظ ساده و به دور از بازی با الفاظ و پرطمطراق گویی، کاربرد فراوان استعارات و تشبیه، اقتباس از قرآن کریم و احادیث نبوی و کثرت تکرار به منظور تأکید بر معنا از برجستگی‌های ادبی شعر محمد العید آل خلیفه است. از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در شعر او توجه به آزادی‌خواهی، پایداری در برابر ظلم و استکبار، عشق به وطن، شکایت از ستم حکمرانان عثمانی، مخالفت با سلطه‌ی انگلیس بر کشورهای عربی و دعوت به آزادی زن است. ادبیات الجزایر نقش ارزنده‌ای در حوزه پایداری به ویژه مقاومت در برابر اشغال فرانسه ایفا کرده است.

موضوع مقاومت در ادبیات این کشور در شعر، رمان و نمایشنامه به وضوح دیده می‌شود. بیان ظلم‌هایی که بر وطن تحمیل شده است. سلحشوری‌های مبارزان الجزایری در برابر فرانسوی‌ها، دعوت مردم به مبارزه، شهادت‌طلبی و مقاومت از جمله مضامینی است که در ادبیات مقاومت این کشور خودنمایی می‌کند. در میان انواع ادبی، شعر بهترین راه برای تشویق مردم به راه اندازی جنبش و مبارزه ملی در الجزایر بوده است؛ محمد العید آل خلیفه نیز به عنوان یکی از پیشگامان انقلاب الجزایر نقشی محوری در برانگیختن ملت مظلوم الجزایر داشت. او یکی از بیدارگران مردم الجزایر نسبت به ظلم و استعمار فرانسویان است که با تشکیل انجمن، تأسیس روزنامه‌های مختلف، سخنرانی و بحث و پژوهش چهره‌ی دروغین استعمار را رسوا ساخت و مدت زیادی از عمر خود را در زندان، بازجویی و اقامت اجباری به سر برد. از همین رو کشورهای الجزایر و عراق نقش استراتژیکی در جهان اسلام دارند و بیشتر مورد توجه استعمارگران قرار گرفته‌اند و شاعرانی همچون محمد العید و معروف رصافی در ایجاد شور و ترغیب ملت خویش در راه مبارزه با استعمار خارجی بسیار کوشیده‌اند و حتی شکنجه‌های طاقت فرسایی را متحمل شده‌اند که در این مقاله این مسئله را بسط و گسترش خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

درباره‌ی شعر پایداری و رویکردهای ضد استعماری مقالات بسیاری نوشته شده که اغلب با محوریت کشور فلسطین بوده است. در این بین انقلاب الجزایر و عراق کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ از جمله این پژوهش‌ها مقاله‌ای تحت عنوان «استعمارستیزی در اشعار ملک الشعراء بهار و جمیل صدقی الزهاوی» توسط محمد صادق بصیری و راضیه نورمحمدی در مجله لسان مبین دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، منتشر شده است. همچنین مقاله‌ای با موضوع «بررسی تطبیقی رویارویی با پدیده‌ی استعمار در شعر سید اشرف الدین حسینی و معروف الرصافی» نوشته سید فضل الله میرقادی و حسین کیانی در مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، (۱۳۹۱) پاییز، شماره سوم منتشر شده است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «ملاحم المقاومة ضد الاستعمار فی شعر محمد العید آل خلیفة (دراسة فنیة)» به وسیله ابراهیم لقان و یحیی الشیخ صالح در سال (۲۰۰۶م) در دانشگاه منتوری قسنطینه الجزایر در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی به چاپ رسید. شایان ذکر است که تا کنون تطبیق و مقایسه‌ای میان رویکردها و گرایش‌های این دو شاعر برجسته عراقی و الجزایری صورت نپذیرفته است؛ بر آن شدیم تا برای وضوح دیدگاه‌های این دو شاعر انقلابی که مسلماً در کشورهای خود از پرچم‌داران مقاومت و استعمارستیزی بودند و درک زوایای روابط نزدیک فرهنگی و ادبی میان دو ملت تحقیق حاضر را انجام دهیم.

گذری بر زندگی ادبی محمد العید و معروف الرصافی

محمد العید آل الخلیفة در ۲۸ اوت ۱۹۰۴ در شهر عین البیضاء و در خانواده‌ای صوفی مسلک دیده به جهان گشود. مراحل آغازین تحصیل خود را در مکتب‌خانه‌های قرآن شروع کرد. سپس وارد مدرسه ابتدایی شد و به تعلیم علوم دینی و لغوی پرداخت. وی در سن چهارده سالگی تمام قرآن را حفظ کرد. سال

۱۹۱۸ با خانواده به شهر بسکره نقل مکان کرد و پس از اقامت سه ساله در سال ۱۹۲۰ به منظور تحصیل در جامع زیتونه به تونس رفت و مدرک خود را از آن دانشگاه دریافت کرد. در کنار تحصیل علوم دینی و ادبی به تعلیم علم حساب و جغرافی نیز پرداخت. این شاعر مبارز الجزایری در سال ۱۹۲۳ به دلیل بیماری مجبور شد به شهر بسکره در الجزایر باز گردد. محمد العید پس از بازگشت علم آموزی را رها نکرد و به تحصیل فقه، فلک و حساب پرداخت (ابن سمینه، ۱۹۹۲: ۷). او کار خود را با نوشتن در روزنامه‌ها و مجلات آغاز کرد و در سال ۱۹۲۳ از طرف حکومت برای تدریس در مدرسه‌ی جوانان اسلامی به پایتخت دعوت شد و مدت دوازده سال در این شغل باقی ماند. در پایتخت، «جمعیت علمای مسلمان الجزایر» را تأسیس کرد و اشعار خود را در روزنامه‌های این جمعیت «شهاب، سنت، شریعت، البصائر» که خود تأسیس کرده بود و دو روزنامه دیگر «مرصاد، ثبات» به چاپ رساند (سعدالله، ۱۹۶۸: ۸۸) در سال ۱۹۵۴ میلادی به دلیل فعالیت‌های انقلابی به زندان افتاد و پس از آزاد شدن مدت زیادی طول نکشید که دوباره استعمارگران فرانسوی او را به دلیل سخنرانی‌های انقلابی بر منبر مساجد بازداشت و به زندان عین ملیله و سپس در زندان الکدیه واقع در شهر القسنطینه منتقل کردند. استعمارگران فرانسوی، او را بعد از آزادی به اقامت اجباری در بسکره محکوم کردند و در طول هفت سال انقلاب به شدت تحت نظارت و بازجویی‌های روزانه و پی در پی بود. این شاعر استعمار ستیز در ۳۱ جولای ۱۹۷۹ میلادی، به علت بیماری در شهر باتنه دیده از جهان فرو بست (الزاهری، ۱/۱۹۲۶: ۱۲).

معروف بن عبدالغنی محمود البغدادی الرصافی در بغداد در سال ۱۸۷۵ میلادی، دیده به جهان گشود و در شانزدهم مارس ۱۹۴۵ میلادی در همان جا چشم از جهان فرو بست. پدرش عبدالغنی تبار کردی و مادرش فاطمه بنت جاسم نژاد عربی داشت (بقاعی، ۱۹۹۴: ۲۴). رصافی در مدارس ابتدائی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس به مدرسه‌ی دینی استاد شکری آلوسی پیوست و افکار و اندیشه‌هایش در آن

جا شکل گرفت. «استاد لقب رصافی را به سبب انتساب وی به منطقه رصافه به او داد. شاعر سفرهای زیادی به استانبول و مراکز ادبی داشت که سبب غنای علمی و ادبی او شد. رصافی شغل‌های سیاسی چون نمایندگی مجلس و مسئولیت‌های مختلف در آموزش و پرورش عراق را عهده‌دار شد و فعالیت‌های علمی و روزنامه‌ای زیادی انجام داد» (العبطه، ۱۹۹۲: ۶). از بارزترین ویژگی شعر رصافی «پرداختن به موضوعات سیاسی و اجتماعی است که سبب شده او در گروه شاعران متعهد قرار گیرد. او بیشتر شعرش را در خدمت جامعه و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی آن قرار داد» (آدونیس، ۱۹۷۸: ۶۹).

انقلاب الجزایر و عراق

انقلاب الجزایر، تلاش مردمی است برای آزادی و رهایی انقلابی که به اهداف اعلام شده خود رسید اما پس از رهایی از چنگ استعمار، تجربه تلخ کشمکش‌های درونی و تصفیه‌های سیاسی را از سر گذراند. در سوم ژوئیه ۱۹۶۲ (۱۲ تیر ۱۳۴۱) کشور الجزایر بعد از ۱۳۲ سال که تحت سلطه فرانسه بود به استقلال رسید و در هشت اکتبر همان سال به نام: جمهوریة الجزائیرة الديمقراطية الشعبية (جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر) به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. از ۱۹۵۴ میلادی تا روز استقلال یعنی مدت هشت سال «جبهه آزادی‌بخش ملی» مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران فرانسوی به شدت ادامه داد. ملت الجزایر یک میلیون قربانی داد و در تاریخ کشورهای عرب و شمال آفریقا، الجزایر به عنوان «أرض میلیون شهید» معروف شد. این تعداد شهدای الجزایر غیر از شهدایی است که الجزایری‌ها به رهبری امیر عبدالقادر در جنگ با ارتش فرانسه در آخر قرن نوزدهم در راه آزادی میهن خویش فدا کردند (مال، ۱۳۴۰/۳: ۶۴). استعمار فرانسه در الجزایر جهت تحکیم حضور خود بر گسترش سه چیز تأکید داشت: فقر، جهل و تفرقه؛ این سه مسئله که هر کدام بنیان ملتی بزرگ را در هم می‌شکنند موجب شد خیلی زود

الجزایر ضعیف شود؛ به گونه‌ای که مردمش برای لقمه نانی به فرانسه سفر کنند و زندگی را به کارگری بگذرانند؛ همین امر موجب شد بزرگانی همچون محمد العید اقدام به تأسیس انجمن و مجلات و نشریات جهت مقابله با استعمار فرانسه کنند. کشور عراق به دلیل اهمیت فراوانش در منطقه خاورمیانه از دیرباز مورد تاخت و تاز دولت‌های بسیاری بوده است. در جریان جنگ جهانی اول، عراق به اشغال انگلیس درآمد، در این زمان، با پیوستن عثمانی به صف متحدین، انگلستان به بهانه‌ی آزادی عراق از سلطه‌ی عثمانی، بخش زیادی از خاک این کشور را اشغال کرد (قدوره، ۱۹۷۵: ۱۳۱) این اشغال برای کشور عراق مشکلات و مصائب بسیاری را به وجود آورد. «احساس سرخوردگی و خشم گروه‌های ملی‌گرا در مقابل وعده و وعیدهای انگلیس مبنی بر اعطای استقلال پس از پایان جنگ، اعمال رویه‌های اداری و سیاسی سخت‌گیرانه، وضع و اجرای مقررات جدید از سوی حکام استعمارگر انگلیس، شورش را به سرعت در سراسر عراق گسترش داد» (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۲۸). شخصیت‌های بزرگی همانند محمد عبده و سید جمال الدین اسد آبادی برای پیشرفت اوضاع عراق اقدامات فراوانی انجام دادند ولی بی‌نتیجه ماند.

پردازش توصیفی - تحلیلی موضوع

انقلاب معمولاً ذائقه انسان‌ها و نگاه آنان را نسبت به جهان اطراف و جامعه خود تغییر می‌دهد و همین دگرگونی در حوزه زبان و احساس، قالب و شکل اثر می‌گذارد. پس ادبیات بازتابی از جریان‌ها و عوامل سیاسی اجتماعی است. بر خلاف این باور که برخی آفرینش یک اثر ادبی را صرفاً زاینده هنر و احساسات و خلاقیت پدید آورنده می‌دانند. باید گفت منتقدان و افراد علاقمند به شناخت شناسی، روانشناسی و نقد تاریخی و اجتماعی آثار ادبی به این حقیقت معترفند که تأثیرات سیاسی اجتماعی به حدی در آثار ادبی نمایان است که می‌توان با تأسی به این تأثیرات و جریان‌ها درباره‌ی زبان، فکر، فرم و محتوای اثر ادبی و حتی آرایه‌های

آن اظهار نظر کرد. اشعار انقلابی الجزایر و عراق، سطح گسترده‌ای از متون منظوم را در برمی‌گیرد که شاعران متعهد برای مبارزه با استعمار آن را سروده‌اند. بررسی محتوایی سروده‌های ضد استعماری محمد العید و رصافی نقاط تمایز و تشابه آن‌ها را روشن خواهد کرد.

– مبارزه فراملی با پدیده استعمار

حملة فرانسه به مصر، اولین هجوم استعمار برای غارت سرزمین‌های اسلامی به شمار می‌رود. در این میان شاعران آزاده ساکت ننشستند و همه مسلمانان برای مقابله با استعمار دعوت کردند. این شاعران با تعهد به اسلام، همه‌ی کشورهای اسلامی را در واقع یک کشور متحد قلمداد کردند که تجاوز به هر کدام از آن‌ها، به مثابه‌ی تجاوز به همه‌ی کشورها محسوب می‌شود. از جمله شاعرانی که به سرنوشت دیگر کشورها اهمیت می‌دادند محمد العید و معروف الرصافی هستند. العید در شعرهای مختلف به بررسی و اظهار نظر در موضوعات جهان اسلام پرداخته است؛ از جمله در چندین شعر مسئله‌ی فلسطین را مورد کاوش قرار داده است. شاعر در قصیده‌ای به کشتار فرانسه در مصر اشاره کرده و ضمن ابراز همدردی، همگان را برای یاری مردم مصر فرا می‌خواند:

أغارَ عَلَى الْكِنَانَةِ شُرَّ عَادٍ	فَقُلْ: يَا مِصْرُ حَيَّ عَلَى الْجِهَادِ
أَعِدِّي كُلَّ بَأْسِكِ وَأَسْعِدِي	لِرَدِّ الْأَحْفِينِ يَا أُمَّاتِنَا
جَنُودًا بِاسْمِ الْجَمَائَةِ مِنْكِ حِينَا	مَنْجَانِي زَوَّدْتَهُمْ خَيْرَ زَادٍ

(العید، ۲۰۱۰: ۳۱۱)

بی شک اشعار محمد العید آل خلیفه از قلبی غم‌دیده و روحی سرکش و حساس تراوش کرده و دارای رنگ و اثر به‌خصوصی است که در خواننده تأثیر فراوانی می‌بخشد. شاعر در بیت اول هموطنان خویش را به هجوم علیه دشمن فرا می‌خواند و با تناسی بر اذان مسلمانان «حی علی الصلاة و حی علی الفلاح» که به هنگام نماز گفته می‌شود شاعر مردم خود را به جهاد دعوت می‌کند که به عقیده شاعر در این موقعیت سیاسی و اجتماعی کشور مصر جهاد در راه وطن از نماز و رستگاری برتر است و نیز خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم مردم را به جهاد

ترغیب کرده است. العید با زبانی تلخ و گزنده به فرانسوی‌های متجاوز می‌تازد و این خشم و تنفر در ما بین کلمات موج می‌زند؛ برای مثال در هر سه بیت اول مصراع «أغار، أعدی، جنوا» از فعل امر استفاده شده که شاعر قاطعیت و وجوب آن امر را نسبت به مردم خویش نشان می‌دهد. در ادبیات عربی گروهی از شاعران توانستند موضوع دیگری بر موضوع‌های شعر کلاسیک بیفزایند؛ آن موضوع عبارتست از: «شعر سیاسی و شعر اجتماعی در عراق که عثمانیان بر آنجا حکومت داشتند و مردمش ظلم عبدالحمید ثانی را می‌چشیدند. زهاوی و رصافی به شدت بر شاه و اعوان او حمله کرده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۴۹). رصافی هم در بیشتر مسائل جهان اسلام اظهار نظر کرده و مسلمانان را به وحدت و ایستادگی در مواجهه با دشمنان فرا خوانده است. شاعر از اشغال مصر توسط بیگانگان به عنوان ننگی بزرگ برای مسلمانان یاد می‌کند و یاری‌کنندگان انگلیس را خائن به دین اسلام، و وطنشان می‌داند و آنان را به سب کمک به بیگانه، انسان‌های بی‌دینی می‌شمارد که دین خود را به دنیایشان فروختند.

عَارَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْيَوْمَ أَنَّهُمْ	لَمْ يُنْقِدُوا "مِصْرَ" أَوْ لَمْ يُنْقِدُوا عَدْنَا
قُلْ "لِلْحُسَيْنِينَ" فِي "مِصْرَ" رُوَيْدُكُمْ	قَدْ خُنْتُمَا اللَّهَ وَالْإِسْلَامَ وَالْوَطَنَا
شَاعِيَتُمَا "الْإِنْكِلِيزَ" الْيَوْمَ عَن سَفَاهِ	تَاللَّهِ مَا كَانَ هَذَا مِنْكُمْ حَسَنًا
قَدْ بَعْتُمَا الدِّينَ بِالذُّبْيَا مُجَارِفَةً	فَكُنْتُمَا فِي الْبِرَايَا شَرًّا مِنْ غِيَانَا

(الرصافی، ۱/۱۹۸۶: ۳۱۳)

رصافی در زمینه استعمارستیزی، شاعری منحصر در عراق نیست بلکه همه کشورهای عربی را برادر دینی خود می‌داند، بازتاب این مضمون در بیت نخست است که مسلمانان را برای کمک به کشور مصر فرا می‌خواند و افراد صاحب منصبی که وطن خود را به بیگانگانی همچون انگلیس می‌فروشد خیانتکار نسبت به مردم و سرزمین خویش هستند؛ از این رو باید رصافی را شاعری بیدارگر و مبارز میان کشورهای عربی در دوره معاصر دانست.

– فدادهی و شهادت در راه وطن

این موضوع در اشعار مختلف رصافی با مضامین گوناگون قابل مشاهده است. رصافی دفاع از وطن در مقابل دشمنان را از آموزه‌های دینی می‌داند و هنگامی که

حکومت عثمانی وارد جنگ جهانی اول می‌شود، شاعر در شعر الوطن والجهاد مردم را به یاری حکومت در مقابل دشمنان ترغیب می‌کند؛ زیرا دفاع از وطن و عزت آن، از اصول و دستورات دین اسلام است و کسی که در راه وطن کشته شود، به مرگی شرافتمندانه دست می‌یابد و در غیر این صورت خوار و ذلیل خواهد شد.

و اسْتَقْتِلُوا فِي سَبِيلِ الدَّوْدِ عَن وَطَنِ
و اسْتَلْتُمُوا لِلْعِدَى بِالصَّبْرِ وَ اتَّخِذُوا
بِهِ تُقِيمُونَ دِينَ اللَّهِ وَ السُّنَنَّا
صِدْقَ الْعَزَائِمِ فِي تَدْمِيرِهِمْ جُنْنَا
عَارَ الْهَزِيمَةِ حَتَّى تَلْبَسُوا الْكَفْنَا
إِنْ لَمْ تَمُوتُوا كِرَامًا فِي مَوَاطِنِكُمْ
مِتُّمُ أَدْلَاءَ فِيهَا مَيْتَةَ الْجُبْنَاءِ^۳
(الرصافی، همان / ۳: ۳۱۱)

عشق به میهن و وطن دوستی در میان ابیات دیوان رصافی جلوه درخشان و برجسته‌ای دارد، در واقع اشعار وطنی او چشمه جوشانی است از حماسه آفرینی و فدادهی در راه وطن و اتحاد و یکپارچگی. رصافی در احساس و عواطف ملی خویش صداقت تمام داشت و شهادت در راه وطن را دست مایه قصابد ضد استعماری خود قرار داده بود. شاعر در ابیات فوق بر این باور است که صبر و شکیبایی و عزم و اراده‌ی پولادین و کرامت نفس از ابزارهای مهم دست‌یابی به پیروزی و دفاع از حریم وطن است. رصافی شاعری متعهد و پایبند به وطن و مسائل دینی است که بازتاب آن در سروده‌های دل‌انگیز وی متبلور است. العید نیز در قصیده لا آنسی به فاجعه هشتم می‌سال ۱۸۴۵ میلادی، اشاره می‌کند که در آن حادثه نزدیک ۴۵ هزار نفر شهید شدند. این اتفاق در دل بسیاری از مردم الجزایر زخم‌های جان‌سوزی را گذاشت تا جایی که محمد العید آن را بدین صورت بیان داشت:

أَكْتُمُ وَجْدِي أَوْ أَهْدِي إِحْسَاسِي
وَ أَرْقُبُ مِمَّنْ أَحَدْتُوهُ ضِمَادَه
وَ تَأْمِنُ مَآيَ جُرْحِهِ مَالَهَ آسِي
وَ هُمْ فِي جِمَاحٍ لَمْ يَمِيلُوا لِإِسْلَاسِ
لَهُ مَرَهْمًا مِنْهُمْ سِوَى الْغُنْفِ وَالْبَاسِ^۴
(العید، ۲۰۱۰: ۲۹۶)

شاعر با عواطفی پاک و کاملاً تحت تأثیر آن حادثه با گذشت سالیان دراز آن را

به یاد می‌آورد و محمد العید صراحتاً بیان می‌دارد که وی نمی‌تواند شهادت و زخم‌های هشتم می را از یاد ببرد و در این راه تمام شب‌های خود را خونین می‌انگارد و مرهم آن را خشونت و ناامیدی می‌بیند که بر وی مستولی گشته است.

- رسوایی چهره واقعی استعمار

با ورود عثمانی‌ها به جنگ جهانی دوّم و شکست آنان در مقابل انگلیس، عراق به دست استعمارگران می‌افتد. «شاعر با احساس تکلیف نسبت به جهان اسلام با تاثیرپذیری از جنبش جمال الدین اسد آبادی به وحدت مسلمانان و ایستادگی در مقابل استعمار انگلیس فرا خواند و هنگامی که عراق به دست استعمارگران افتاد، با زبان شعر برای آزادی کشورش کوشید» (العبطة، ۱۹۹۲: ۲۱). همواره استعمارگران برای حفظ سلطه‌ی خود بر کشورهای مستعمره، با فریب مردم، خود را طرفدار آنان معرفی می‌کردند و به غارت و چپاول اموالشان می‌پرداختند. در مقابل این اعمال رصافی با تصویر چهره واقعی استعمارگران از مردم می‌خواهد تا فریب خدعه‌های آن‌ها را نخورند. شاعر در شعر *غادة الإنتداب* به هجو استعمار انگلیس می‌پردازد و آن‌ها را مانند زنی معرفی می‌کند که ظاهری زیبا اما درونی زشت و آشفته دارند.

نَحْسِبُهَا حَسَنَاءَ مِنْ زِيَّهَا	وَ مَا سِيَوَى (جَبُول) تَحْتَ الثِّيَابِ
ظَاهِرُهَا فِيهِ لَنَا رَحْمَةٌ	وَ الْوَيْلُ فِي بَاطِنِهَا وَ الْعَذَابُ
مُصَابِنَا أَمْسَى فَطِيْعاً بِهَا	يَا رَبِّ مَا أَفْظَعَ هَذَا الْمُصَابِ

(الرصافی، ۱۹۵۳: ۴۵۱)

زبان، یکی از پنج عنصر اصلی شعر در کنار تخیل، احساس، عاطفه و اندیشه است. اگرچه در عناصر مختلف شعر، دیدگاه‌ها متفاوت است، لیکن درباره‌ی زبان اتفاق نظر مبنی بر اصلی بودن آن وجود دارد. دیوید دیچز زبان را فعال‌ترین خدمتگزار تخیل می‌داند، زیرا معتقد است تخیل، خود بر اثر نیازمندی‌هایش آن را به وجود می‌آورد (دیچز، ۱۳۶۶: ۱۸۹).

به گفته‌ی تی.اس.البوت، شاعر و منتقد انگلیسی، زبان (به خصوص زبان شعر)

باید لذت بخش باشد و به عقیده‌ی زبان‌شناسانی چون «گروچه» و «ایگلتون»، زبان یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را در ارگانیزم شعر ایفا می‌کند (کرباسی، ۱۳۷۳: ۱۱) در اهمیت زبان، همین بس که برخی، ارزش گفته‌ها را با چگونه گفتن آنها سنجیده‌اند؛ بنابراین، تازگی زبان در شعر کلاسیک، مرهون هم‌نشینی با شعر نو و قرار داشتن در موقعیت بالندگی این شیوه است. هنگامی که شعر نو سالم متولد شد و اندکی بالید، شعر کلاسیک را نیز به چالش فرا خواند و نسیم تازه‌ی نوسرایی که امروزه در شاخ و برگ قالب‌های سنتی وزیدن گرفته است از نشانه‌های این چالش و تکاپو و از برکت همین هم‌نشینی است. محمد العید نیز با زبانی تند و جسورانه با بکارگیری از نوجویی‌هایی در استفاده از الفاظ خاص انقلاب و نمادهای گوناگون و تصاویر ویژه جنگ از نقاب از چهره استعمارگران فرانسوی پرده بر می‌دارد و چهره واقعی آنان را به ملت الجزایر می‌نماید:

وَكَمْ مِنْ قَائِلٍ أَخْشَى زُنُوجًا	تُبِيحُ الْقَتْلَ وَ الدَّمَامِ مَعِيَا
فَقُلْ لِلْقَائِمِينَ عَلَى فَرَانَسَا	أَنِيبُوا وَارْتَأُوا رَدِيَا لَبِيَا
وَ قُلْ لِلْقَائِمِينَ عَلَى فَرَانَسَا	تَعَالُوا فَاشْهَدُوا الْخَطْبَ الْعَجِيَا
جُسُومٌ فِي فِرُوشٍ مُجَدَلَات	تُعَانِي تَحْتَهُ الْغَازَ الرَّهِيَا
وَ أَجْسَادُ مُمَزَّقَةُ الْخَشَايَا	تَكَادُ لَهَا النَّوَاصِي أَنْ تَشِيَا

(العید، ۲۰۱۰: ۲۶۱)

شاعر در این ابیات به حملات فرانسوی‌ها اشاره دارد که ملت الجزایر را به خاک و خون کشیدند و شاعر از صفت‌های متفاوتی همانند (فروش) که شغلی در کشتی بانی است و شاعر با اشاره به حادثه تاریخی که اولین شخص فرانسوی که به استعمار اهتمام ورزیده بود، محمد العید آن را جزو خصلت‌های رذیله به شمار می‌آورد. پیکرهای مردم مستعمره تکه تکه گشته و روح یأس و ناامیدی بر شاعر غلبه پیدا کرده، ولی با این همه محمد العید بر هدف خویش استوار است و دست از آرمان‌های خویش بر نمی‌دارد.

رصافی در کنار مبارزه برای به دست گرفتن برخی مشاغل که با انتخاب مردم

انجام می‌شد، تلاش می‌کند تا از این طریق هم به مبارزه پردازد و هم در حد توان برای مردم خدمت کند؛ بنابراین «برای نماینده شدن در مجلس مؤسسان نامزد شد اما به سبب افکار دموکراسی خواهانه‌اش از عضویت او جلوگیری شد. در این مدت روزنامه الأمل را منتشر ساخت که انتشار آن بیش از سه ماه طول نکشید و به خاطر درج مطالبی در مخالفت با استعمار، توقیف شد» (شکیب انصاری، ۱۳۷۶: ۱۰۷). این اعمال با ادعای آزادی‌خواهی استعمارگران در تضاد آشکار بود. رصافی در قصیده الحریه فی سیاست المستعمرین این ادعای دروغین استعمارگران را به چالش می‌کشد و بالا رفتن درک سیاسی مردم را به زیان استعمار می‌داند.

يَا قَوْمُ لَا تَتَكَلَّمُوا	إِنَّ الْكَلَامَ مُحَرَّمٌ
وَدَعُوا التَّفَهْمَ جَانِباً	فَالْخَيْرَ أَلَا تَفْهَمُوا
أَمَا السِّيَاسَةَ فَاتْرُكُوا	أُبْدَأُ وَإِلَّا تَنْدَمُوا
وَأَذَا ظَلِمْتُمْ فَأُضْحِكُوا	طَرَباً وَلَا تَتَظَلَّمُوا ^۶

(الرصافی، بی‌تا: ۴۵۰)

آیرونی تصویری، یکی از ابزارهای فنی در تصویرپردازی به شمار می‌آید که معروف رصافی برای تصویرسازی ابعاد فکری خویش از واقعیت‌های زندگی از این هنر تصویری استمداد جسته است تا اینکه شعر از چهارچوب ذاتی و درونی خارج شود و به سوی موضوع محور بودن و همگامی با مردم و جامعه رهنمون شود. و این مطلب یا در خلال پافشاری بر ابراز تناقض‌های مختلفی که به درون ذات شاعر نفوذ پیدا می‌کند یا در اطراف حقیقت زندگی شاعر ظاهر می‌شود. در واقع آیرونی، زاینده موقعیت روانی و عقلی و فرهنگی مشخصی است و در آن شاعر از موقعیت مخالفی به روش غیرمستقیم برای فریب رقیب یا پنهان سازی انگیزه‌های ناراضی خویش سخن به میان می‌آورد.

اگرچه برخی مثل سورن کی‌یر کگارد (*soren Kierkegaard*) استفاده از آیرونی را ناشی از هراسناکی حاکمیت اختناق می‌داند، از این رو آیرونی را ذات اشخاصی می‌داند که جرأت بیان صریح حقایق را ندارند. دقت در ماهیت کلام

ایرونیک، سوی دیگر این صنعت را آشکار می‌سازد و آن هم خاصیت تقابلی و کوبندگی آن است. با وجود این، آنچه ماهیت اساسی آیرونی است، خاصیت مناظره‌ای آن به‌عنوان روشی برای رویارویی با مخالف در بحث یا طرح کلامی است؛ (موکه، ۱۳۸۹: ۲۷) خصیصه‌ای که آیرونی را بیشتر در مقام شیوه رفتاری (تدافعی یا تهاجمی) در برابر مخاطب قرار می‌دهد. حسین پاینده نیز در این باره معتقد است که غالباً شاعران برای انسجام شکل شعر خود از دو صنعت متناقض نما و آیرونی بیشترین استفاده را می‌کنند؛ زیرا ظرفیت آن دو صنعت در القای تنش و تباین و ناهمسازی در اشعار بیشتر از دیگر صنایع ادبی است (پاینده، ۱۳۸۸: ۴۸). بروز و ظهور آیرونی (*Irony*) در اشعار و به‌طور کلی، گونه‌های ادبی (*Genres*) نشانی از قرار گرفتن مؤلف در موقعیت تدافعی و یا تهاجمی است؛ توجه به جایگاه مخاطبان در شعر معروف الرصافی که مشخص و معین است و شخصیت ظلم ستیز و آزادی خواه رصافی نقش و کارکرد آیرونی را در اشعار او، بیش از هر صنعت ادبی دیگر نشان می‌دهد و هماهنگی آگاهانه او را در بازتاب معنادار آیرونی و انواع آن در اشعارش به نمایش می‌گذارد. رصافی با طنزی تند و تلخ کلام را بر مردم خویش حرام می‌داند و حال آنکه منظورش عکس آن ابیات است؛ زیرا این نوع از بیان، بیشترین تأثیر را در برانگیختن مخاطب دارد و هدف حقیقی شاعر خیزش و انقلاب مردم علیه استعمارگری انگلیس است.

– مخالفت با حکومت‌های دست‌نشانده

وجود دولت‌های دست‌نشانده و مجالس سفارشی، یکی از راه‌های استعمارگران برای تداوم سلطه بر کشورهای مستعمره بود. از آن‌جا که ریاست خود استعمارگران به دلیل مخالفت مردم ممکن نبود، استعمار با انتصاب افراد بومی و مطیع، به چپاول و غارت کشور تحت قیمومت می‌پرداخت. شاعران با هوشیاری به مقابله با این نیرنگ می‌پرداختند. رصافی در شعر *حکومه الانتداب* دشمنی شدید خود را با

استعمار انگلیس و حکومت دست نشانده‌اش در عراق ابراز می‌کند. شاعر در این شعر تمام اعمال حکومت عراق را دروغین خوانده و مجلس و قانون اساسی را تشریفاتی و ناکارآمد می‌داند. او حکومت را غارت‌گر اموال و ثروت‌های طبیعی کشور معرفی می‌کند که این ثروت‌ها را به جیب انگلیس می‌ریزد. شاعر این حکومت را مناسب عراق نمی‌داند و خواستار برکناری آن می‌شود:

عَلَمٌ وَ دُسْتُورٌ وَ مَجْلِسٌ أُمَّهٍ كُلُّ عَنِ الْمَعْنَى الصَّحِيحِ مُحَرَّفٌ
 أَسْمَاءٌ لَيْسَ لَنَا سِوَى أَلْفَظِهَا أَمَا مَعَانِيهَا فَلَيْسَتْ تُعْرَفُ
 مَنْ يَقْرَأَ الدُّسْتُورَ يَعْلَمُ أَنَّهُ وَفَقًا لِصَكِّ الْإِنْتِدَابِ مُصَنَّفٌ^۸
 (الرصافی، ۱۹۸۶/۲: ۴۰۲)

بدین ترتیب اوضاع اجتماعی عراق، شعر سیاسی و مقاومتی را پدیدار ساخت که درصدد دعوت مردم به مبارزه علیه استعمار، استقلال و آزادی ملت، عدالت محوری، و مخالفت با مداخلات بیگانگان بود. بخش اعظم شعر عراق در قرن نوزدهم، نیز پیرامون مسایل سیاسی بود، این نوع شعر سیاسی در ادبیات جدید عربی با تأثیر پذیری از عوامل سیاسی و اجتماعی، مسیر تازه‌ای را از سرگرفت. زبان شعر، تازه گشت و سادگی، روانی، سلاست و شیوایی پیش روی ادیبان این دوره قرار گرفت (جیوسی، ۲۰۰۱: ۴۹). او در قصیده *الوزاره المدنیه* یادآور می‌شود که در عراق هیچ وزیری در عملکرد خود دارای استقلال نیست؛ بلکه هر چه مشاور انگلیسی دستور دهد، عمل می‌گردد.

كَمْ وَزِيرٍ هُوَ كَالْوَزْرِ رَ عَلَى ظَهْرِ الْوَزَارَةِ
 إِنَّ وَجْهَ الْحَقِّ بَادٍ كَسِرَاجٍ فِي مَنَارِهِ
 لَا تَسَلُ عَنْهُ وَزِيرِ الْقُوَى حَمَّ وَ اسْأَلْ مُسْتَشَارَهُ
 (الرصافی، بی‌تا: ۶۰۵)

محمد العید نیز همانند رصافی به مبارزه علیه دستورات بیگانگان می‌پردازد و آنان را مزدورانی بیش نمی‌داند و برخی از صاحب منصبان الجزایری نیز دست نشانده‌گان فرانسوی‌ها می‌شمارد که اوامر و نواهی آنان را اجرا می‌کنند:

و سَأَسْأَلُ مُسْتَبَدًّا	صَاحِبَنَا مُسْتَعْلًا
لِحَرْبِنَا وَتَصَدِّي	لَقَدْ تَهَيَّأَ سِرًّا
مِنْ جِبْهَةِ الشَّعْبِ وَدًّا	وَوَدَّ لَوْ لَمْ نُصَادِفْ
عَنْ خَالِصِ الْحَبِّ حَقْدًا؟ ^۱	إِلَى مَتَى وَهُوَ يَجْزِي

(العید، ۲۰۱۰: ۲۷۵)

و شاعر در ادامه آن ابیات محکم و کوبنده چنین بیان می‌دارد که در نهایت امر پیروزی و حق از آن مردم الجزایر است. شعر محمد العید محصول مرحله خاصی از تاریخ الجزایر و بیانگر احساسات ملی، قومی و انسانی شاعر است. شعر وی شعری اجتماعی است و غالباً از دایره فردیت خارج شده است. خود او در این باره می‌گوید: «موضعی را که من در شعرم اتخاذ کردم و شیوه ای که در پیش گرفتیم، بیان وجدان امت بود و اگر در مورد برخی اشخاص شعری گفتم به این دلیل بوده که آن را جزئی اساسی از کار ملی و قومی خود تلقی کرده‌ام.

دست خونین استعمار تا حدی به غارت و چپاول ملت‌ها عادت کرده بود که کوتاه کردن آن، جز با جان‌فشانی و ایثار در راه وطن میسر نبود؛ بنابراین شاعران متعهد در اشعار خویش مردم را به انقلاب علیه استعمار و فدادهی برای آزادی سرزمین‌شان فرا می‌خواندند. رصافی پس از این که چهره پلید استعمار انگلیس را به تصویر می‌کشد و ویژگی دردناک حکومت‌های دست‌نشاندهی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، تنها راه نجات مردم از این پدیده‌ی شوم را مبارزه می‌داند. شاعر خطاب به دست‌نشاندها و وزرای عراق، با تهدید و ترساندن آنان از خشم مردم، از آنها می‌خواهد تا مردم را برای پیکار با استعمار فرا بخوانند. به اعتقاد وی مردم در این صورت به میدان خواهند آمد و دست استعمار را از سرزمین خود کوتاه خواهند کرد.

يَوْمًا تَتُّورُ بِهِ الْجِيُوشُ وَتَزْحَفُ	الشَّعْبُ فِي جَزَعٍ فَلَا تَسْتَبِعِدُوا
أَتُظَنُّ أَنَّ هُنَاكَ مَنْ يَتَخَلَّفُ	وَإِذَا دَعَا دَاعِيَ الْبِلَادِ إِلَى الْوَعَى
شَرَفٌ يَعَزُّزُ جَانِبِيهِ الْمَرْهَفُ ^۱	أَيُّذِلُّ قَوْمٌ نَاهِضُونَ وَعِنْدَهُمْ

(الرصافی، ۱۹۵۳: ۴۶۶)

دعوت رصافی و دیگر بزرگان عراق، مردم را به رویارویی با استعمار می‌کشاند. که انقلاب‌های متعدّد در عراق موید آن است. شاعر در این انقلاب‌ها از مردم حمایت کرده و به آنان دل‌گرمی می‌دهد. «الرصاصی در فلوجه از انقلاب کیلانی، علیه استعمار انگلیس حمایت کرد؛ اما این انقلاب در سال ۱۹۴۱ میلادی، با شکست مواجه شده و محل سکونت رصافی در فلوجه بمباران شد تا اینکه او مجبور به ترک آن جا شد و به بغداد بازگشت» (بقاعی، ۱۹۹۴: ۴۵). جنایت انگلیسی‌ها روح شاعر را آزرده کرد. تا شعر یوم فلوجه را در این باره بسراید و آنان را به انتقام تهدید کند. شاعر با تمسخر ادعای پیشرفت و تمدن غربی‌ها، از آنان می‌پرسد که آیا این جنایات همان تمدنی است که از آن دم می‌زنید:

أَيُّهَا الْإِنجِلِيزُ لَنْ نَتَنَاسَى بَعِيكُم فِي مَسَاكِينِ الْفُلُوجَةِ
أَفْهَذَا تَمَدُّنٌ وَعِلَاءٌ شَعْبُكُمْ يَدْعِي إِلَيْهِ عُرُوجَهُ^{۱۱}

(الرصاصی، ۱۹۵۳: ۴۶۸)

رصاصی با نوستالوژی از دوران گذشته، خاطرات شهرهای فلوجه و ویرانی و کشتاری که در آنجا بر مردم آن شهر به‌جای گذاشتند آن حوادث تلخ را فراموش نکرده است و با طعنه و کنایه‌ای به سخن مردم انگلیس که آفتاب در سرزمین انگلیس غروب نخواهد کرد نشان از نهایت جاه‌طلبی و استثمار کشور خودکامه انگلیس است. در دیدگاه شاعر فلسفه‌ی انسان و انسانیت چیز دیگری است که در آن شرف، حمایت از مظلوم، حفظ حرمت انسانی و انسان بودن از جایگاه والایی برخوردار است.

محمد العید شاعر مبارز الجزایری در قصیده کن قویاً مردم را به مقاومت و ایستادگی فرامی‌خواند و این اشعار با موسیقی پر شور و فخرآمیز سروده شده تا مردم را بیشتر ترغیب کنید:

حَتَّكَ الْمَجْدُ فَاعْتَنَ وَ أَكْسِبَ الْمَجْدَ وَ أَقْتَنَ
اسخِ بِالنَّفْسِ دُونَهُ فَهُوَ أَعْلَى مَثْمَنَ

لَا تَقْلُ مِشْعَلَى خَبَا
وَزَقَا حَوْلَى الصَّدَى

وَاحْتَوَى اللَّيْلَ مَسْكِنَى
فَأَخْتَفَى صَوْتُ أَرْغَنِى^{۱۲}
(العید، ۲۰۱۰: ۲۹۴)

شعر محمد العید نیز آئینه تمام نمای واقعیت‌های عصر شاعر است، او در شعر خود به مسایل مختلف اجتماعی و بیان مشکلات هموطنان خویش می‌پردازد و به حق که او «پیشگام شاعران الجزایری عصر معاصر به شمار می‌رود؛ شاعرانی که در اشعار و نوشته‌های خود با جرأت و صراحت تمام به بیان مشکلات جامعه خود پرداختند. شاعر عزت نفس و شرف را بزرگ‌ترین سرمایه‌ی انسانی می‌داند و با توجه به اوضاع اسف بار کشور الجزایر درصدد تجدید روحیه امید و انگیزه در میان مردم خویش است و در اینجا شاعر ارغنون را نمادی از امید و خیزش دوباره ملت الجزایر است.

و شاعر در ادامه این قصیده به ظلم و استبداد در تمام جوانب سرزمین خویش اشاره دارد و یکی از این ستم‌ها زبان عربی است که با سیاست‌های عمدی فرانسوی‌ها مورد اهانت آنان قرار گرفته، درحالی که شاعر زبان عربی را جزو لاینفک سرزمین الجزایر است:

و لسانِ غزته فی
بیتغی الخصمُ دَفَنَه
وَهُوَ عَالٍ مُرْدَدٌ
القوانین حوله

أرضه جَمُّ ألسن
تحتها شرٌّ مدفن
فی نداءِ المؤذن
كالسلاحِ المُسنن^{۱۳}

(همان: ۲۹۵)

شاعر خطر استعمار را که مانعی در کمین وحدت کشورهای عربی است، گوشزد می‌کند، و آنان را از مزدورانی که شعار وحدت را دستاویزی برای رسیدن به اغراض و مطامع شخصی خود قرا می‌دهند، برحذر می‌دارد و اکنون زبان مادری این کشورها مورد تهدید و خطر قرار گرفته است و زبان فرانسوی جا پای زبان عربی گذاشته است و در حالی که همگان بر ارزش و جایگاه زبان عربی (زبان قرآن کریم) آگاهند؛ لذا مردم را به استقلال طلبی و تلاش برای رهایی از یوغ استعمار و قیمومیت استعمارگران فرا خوانده است.

– تپندگی زبان مبارزه

رصافی به عنوان شاعری متعهد با زبان و عمل با استعمار مبارزه می‌کند و برای آزادی وطنش از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. او هر تلاشی را برای بیرون راندن اشغال‌گران می‌ستاید و از مبارزان حمایت می‌کند. وقتی این تلاش‌ها سودمند نمی‌افتد شاعر با قلبی سرشار از خشم و نفرت نسبت به استعمار انگلیس، به هجو آنان رو می‌آورد و با زبانی گزنده، دشمنان مردم عراق را مورد حمله قرار می‌دهد. شاعر در قصیده‌ی *الإنکلیز فی سیاستهم الإستعماریه* به وصف ذات واقعی انگلیس می‌پردازد و او را منبع همه خباثت‌ها و بدبختی‌ها می‌شمارد.

لَقَدْ جَمَعَ الدَّهْرُ المَکَايِدَ کُلَّهَا بِقَدْرِ کَبِيرٍ صَبَغَ مِنْ مَعَدِنِ الخُبثِ
وَصَبَّ عَلَیْهَا مِنْ بَنَائِرِ صُرُوفِهِ سَجَالاً مِنَ الکَذِبِ المُمَوَّهِ وَ الحَنثِ
کَأَنَّهُمْ وَ النَّاسُ عُثٌّ وَ صُوفُهُ وَ هَلْ یَسْتَقِیْمُ الصُّوفُ فی عِیْثِهِ العَثِّ
فَکَمَ حَرَثُوا فی أَرْضِ مُسْتَعْمَرَاتِهِمْ مَظَالِمَ سُوْداً کُنَّ مِنْ أَفْطَعِ الحَرثِ^{۱۴}
(رصافی، ۱۹۸۶/۲: ۴۱۶)

شاعر هرگز از مبارزه خسته نمی‌شود و همواره برای رهایی سرزمینش می‌کوشد. «تا این که این مخالفت‌ها باعث شد، او مجبور به ترک وطن خود شود و در سال ۱۹۲۲ میلادی، به دمشق سفر کند و از آن جا هم رهسپار بیروت شود. سپس در سفری کوتاه، به استانبول رفت و برای گرفتن تابعیت ترکی تلاش کرد اما موفق به این کار نشد و به بیروت بازگشت و در مجالس و محافل ادبی آن جا به سرودن شعر پرداخت. او برای گرفتن تابعیت لبنانی نیز تلاش کرد اما به دلیل مخالفتش با استعمار فرانسه، استعمارگران مانع این کار شدند (العبطه، ۱۹۹۲: ۱۹). این مبارزات باعث شد تا رصافی در کنار شاعران بزرگی چون محمد مهدی الجواهری و احمد صافی النجفی، به عنوان شاعری آزادی‌خواه و متعهد شناخته شود.

محمد العید آل خلیفه در سال ۱۹۳۶ میلادی قصیده‌ای در *مجله الشهباب* منتشر کرد و در آن به کنفرانس‌هایی که میان فرانسوی‌ها و سران و نمایندگان الجزایر برگزار شده، اشاره می‌کند. محمد العید با زبانی تند و طعنه‌های گزنده خطاب به فرانسه تمامی مصیبت‌های واقع در سرزمین الجزایر را از سوی

سیاستمداران فرانسه می‌دارد هرچند شاعر در زبان خویش با ملایمت، کمی در مقابله با رصافی بدین امر اهتمام می‌ورزد:

يا فرنسا رُدَى الحقوقَ علينا
وَأَقْلَى الأذى وَ كَفَى الوَعيدا
نَحْنُ رَغَمَ الطُّغَاةِ فِي الأَرْضِ أَحرا
رُ و إن خَالنا الطُّغَاةَ عَبيدا
نَبْتَغى السَّلْمَ وَ الهُدوءَ وَ نأبى
أن يكادَ امرؤُ لنا أو يكيدا
حَسبنا العَدْلُ لا نَهْمُ بِأن نثـ
أر مِن حاكم بَغى أو نقيدا^{۱۵}
(العید، ۲۰۱۰: ۲۶۸)

کاربرد واژگان در اشعار محمد العید با بسامد بالایی نسبت به برخی مفاهیم پویا است که در ابیات فوق با نبض زنده، پیکر شعر را به پویایی وا می‌دارند واژگانی مانند: الحقوق، احرار، السلم و العدل همگی نشان از دیدگاه و هدف قابل ستایش مردمی است که در زیر چکمه‌های استعمار فرانسه در حال لگدمال شدن هستند و محمد العید به عنوان بازگوکننده احساسات و عواطف مردم این ظلم را بر نمی‌تابد و خواهان آزادی و عدالت و حقوق مردم مظلوم الجزایر است. همچنین از وزن شعر و موسیقی کلمات چنین برمی‌آید با فخر و حماسه سروده شده است که در مصراع‌های اول بیشتر نمود پیدا می‌کند.

نتیجه

محمد العید و معروف رصافی شاعران هم‌عصری هستند که در دوره حساسی از تاریخ الجزایر و عراق زندگی کردند. حساسیت این دوره به دلیل اشغال الجزایر و عراق توسط استعمار فرانسه و انگلیس بود این ویژگی مشترک باعث شده تا دو شاعر با سبکی مشابه، موضوعات و مضامین اجتماعی-سیاسی مشترکی را در سروده‌های خود به رشته نظم بکشند. شعرهای سیاسی دو شاعر، آینه تمام‌نمای دردها، پیکارها، پایداری و جان‌فشانی‌های مردم مبارز دو سرزمین است که بخش عمده‌ای از سروده‌های دو شاعر را به خود اختصاص داده است. رصافی و محمد العید به عنوان منادیان رهایی از چنگ استعمار بارها طعم تلخ زندان و تبعید را به

سبب مبارزه با متجاوزان چشیدند.

رصافی در کنار تأثیرپذیری از افکار ملی‌گرایانه‌ی استادش آلوسی، با بهره‌مندی از آموزه‌های دینی به مبارزات خود جنبه مذهبی می‌بخشد. او در بیشتر موضوعات قصایدش به احکام و آموزه‌های اسلام تکیه می‌کند و مبارزه، جان‌دهی و جان‌فشانی در راه وطن را سفارش اسلام می‌داند و از این طریق مسلمانان به‌ویژه هم‌وطنان خود را به مقابله با استعمارگران فرا می‌خواند. این ویژگی در اشعار محمد العید بیشتر بر مدار ملی‌گرایی می‌چرخد و حس وطن‌دوستی او از آموزه‌های دینی تأثیرپذیری اندکی دارد. شاید بتوان گفت که میزان التزام سیاسی محمد العید بیشتر از رصافی است و زبانش تندتر و گزنده‌تر از اوست. العید آشکارا در هر موضوع و موقعیتی به مبارزه با استعمار می‌پردازد اما رصافی با کمی احتیاط به این امر مبادرت می‌ورزد که مناصب حکومتی او در دوره‌ی اشغال حاکی از این امر است. و زندانی شدن محمد العید هم حکایت از ایستادگی و مبارزه سرسخت این شاعر آزاده دارد. دو شاعر به سبک کلاسیک به شعرسرایی پرداخته‌اند. هر دو در اشعار سیاسی از فردگرایی خارج می‌شوند و زبان گویای ملت خود می‌گردند و از سنت‌های عربی و دینی بهره می‌گیرند و از قرآن کریم و احادیث نبوی اقتباس می‌کنند. زبان رصافی در این اشعار زنده و پویا و سبک و اسلوبی ساده دارد، همچنین برخی از اشعار سیاسی وی دارای اسلوبی داستانی است که شخصیت‌های آن از افراد مشهور جامعه انتخاب می‌شوند. ترکیب‌های نو، عبارات روان، الفاظ آسان، معانی روشن، دوری از تکلف و تصنع، اجتناب از تکرار و زبان شعری ساده که نزدیک به زبان مردم کوچه و بازار است. از دیگر ویژگی‌های اشعار سیاسی و اجتماعی وی است؛ همچنین، موضوعات و مضامین شعری وی برگرفته از حوادث روز جامعه است. شعر سیاسی محمد العید دارای کثرت تکرار به منظور تأکید بر معنا، استخدام فراوان تشبیهات قابل درک برای خواننده، الفاظ ساده و به دور از تکلف و تصنع است. العید جز در مواردی اندک از بکارگیری نماد اجتناب می‌کند و با زبانی

گزنده استعمارگران را با صراحت و با زبان و معانی روشن مورد خطاب قرار می‌دهد. بی‌تردید اشعار العید تأثیر عمیقی در شکل‌گیری انقلاب الجزایر و استقلال آن از فرانسه استعمارگر داشت. انقلابی که تحولات گسترده‌ای را حتی در کشور فرانسه از خود به‌جا گذاشت و باعث فروپاشی جمهوری چهارم شد. گرچه رصافی هم به سبب مبارزه مجبور به ترک وطن شد و از هر جنبش و انقلابی علیه استعمار با جسارت حمایت کرد، پیوند ناگسستنی نام دو شاعر با حوادث سیاسی تاریخ معاصر الجزایر و عراق، به‌گونه‌ای است که بررسی اشعار آن دو سیر تحولات سیاسی دو کشور در زمان اشغالگری به نمایش می‌گذارد و ابعاد مبارزاتی و تعهد اجتماعی و سیاسی دو شاعر را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بدترین دشمن بر کنانه حمله کرده است. به مصر بگو: به مقابله و جهاد با دشمن بشتاب. بدون تکیه بر کسی؛ شجاعت گذشته خود را بازیاب و آن دلاوری پیشین خود را برای مقابله با دشمنان به کار گیر. ای مصر؛ فرانسوی‌ها به بهانه‌ی حمایت از تو، و به پشتوانه‌ی بهترین ابزار و آلات دست به جنایت‌های بسیاری زدند.
۲. امروز بر مسلمانان ننگ است که مصر و عدن را از دست بیگانگان نجات ندادند. به دو حسین بگو؛ کمی درنگ کنید که شما به خدا و دین او، و سرزمینتان خیانت کردید. از روی نادانی از انگلیس پیروی کردید. به خداوند سوگند؛ که این کار شما درست نبود. از روی بی‌آگاهی و نادانی معامله کردید و دین خود را به دنیایتان فروختید و (به این دلیل) فریب خورده‌ترین مردم در معامله شدید.
۳. در راه دفاع از وطن جان بر کف شوید، که دین و سنت‌های خداوند بر پایه دفاع از وطن استوار است. با صبر و استقامت در مقابل دشمن، لباس رزم بر تن کنید و همت‌های راستین را برای نابودی دشمن سپر خود سازید. هماره در جنگ تا آخرین نفس، از قبول ننگ شکست امتناع کنید. اگر با عزت و افتخار در سرزمین خویش از دنیا نروید، بی‌شک مانند انسان‌های ترسو به مرگی با ذلت، تن در خواهید داد.
۴. آیا شور و اشتیاق درونی خود را پنهان کنم و احساس خود را مخفی نمایم؟ حال آنکه حوادث غم‌انگیز هشت می‌هیچ وقت تسلی نمی‌یابد و من در پی تسکین آلامی هستم که آن‌ها بر مردم وارد ساخته‌اند آن‌ها مردمانی هستند که بویی از نرم‌خویی و انسانیت نبرده‌اند. روزها می‌گذرد و آن

- زخم‌ها هر روز عمیق‌تر می‌شود و ما در مقابل آنان راهی جز مبارزه و پایداری نداریم.
۵. در پوشش ظاهری به زنی زیبا می‌ماند اما در زیر آن لباس همان انگلیس پلید است. ظاهرش مهربانی و رحمت می‌نمایاند؛ اما در درون خود ظلم و عذاب نهفته است. درد و رنج ما با وجود آن، روز به روز شدیدتر می‌شود خداوندا! چه قدر این رنج دردناک است!
۶. چه بسیار گوینده‌ای که از زنگی‌هایی که کشتن و ظلم ننگ آور را مباح می‌دانند می‌ترسد. به کسانی که در مقابل فرانسوی‌ها قیام کردند بگو در مبارزه خود حساب شده و منطقی عمل کنید. به کسانی که در مقابل فرانسوی‌ها قیام کردند بگو بیاید این حادثه‌ی عجیب را به نظاره بنشینید. پیکره‌هایی بر عرشه کشتی فروش افتاده‌اند این اجساد بخاطر جلوگیری از غارت منابع طبیعی (نفت الجزایر) به خون غلتیده‌اند. پیکره‌های پاره پاره‌ای که هر انسانی با دیدن آن پیر می‌شود.
۷. ای مردم دم فرو بندید که سخن گفتن حرام است. درک و فهم را کنار بگذارید که ندانستن برای شما بهتر است. سیاست را برای همیشه رها کنید که در غیر این صورت پشیمان خواهید شد. اگر بر شما ظلم شد از خوشی و سرمستی بخندید و دادخواهی نکنید.
۸. اهتزاز پرچم کشور و قانون اساسی و مجلس ملی، هیچ کدام در معنای واقعی خود، کار برد ندارند. تنها لفظ و ظاهر اسمشان برای ماست و معنا و کارایی واقعی آن‌ها برای ما ناشناخته است. هر کسی که قانون اساسی را بخواند، می‌فهمد که آن، جز سندی برای قیمومیت عراق نیست.
۹. سردمداران ما انسان‌های استعمارگر و سیاست‌مداران ما مستبد و خود رأی هستند. به صورت مخفیانه مشغول زمینه‌چینی برای جنگ با ما هستند. ما از جبهه مردمی که در فرانسه به قدرت رسیده است انتظار دوستی و یاری نداریم. تا کی فرانسه در برابر دوستی صادقانه ما کینه توزانه رفتار خواهد کرد؟
۱۰. مردم در دلواپسی و نگرانی به سر می‌برند. پس خیزش و پیشروی سپاه آنان دور از ذهن نیست. اگر مسئول کشور، مردم را به جنگ فرا بخواند، هیچ کسی درخواست آن‌ها را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. درحالی که عزت ملتی با شمشیرهای برآن پایدار می‌ماند، آیا چنین ملتی با خیزش خوار می‌شوند؟
۱۱. ای انگلیس! هرگز جور و ستم تو را در شهر فلوجه فراموش نخواهیم کرد. آیا تمدن و بزرگی‌ای که مردم شما ادعای رسیدن به آن را دارد، همین است.
۱۲. مجد و شرف تو را فرا می‌خواند پس به ندای آن پاسخ بگو و در پی کسب بزرگی باش. شرف و عزت را به نفس خویش ببخش که آن گرانبهاترین ارمغان است. و نگو که چراغ زندگی من خاموش شده و روزگارم سیاه گشته است. در اطرافم صدایی منعکس شد و صدای ارغنون خاموش گشت.
۱۳. همه زبان‌های بیگانه در حال جنگ با زبان مادری من در وطن هستند. دشمن با نیات پلید

خود در پی نابودی زبان عربی است. حال آن که جایگاه زبان عربی آن قدر والاست که اذان با آن گفته می‌شود و قوانین وضع شده چون سلاحی تیز علیه زبان عربی هستند.

۱۴. روزگار همه نیرنگ‌ها را در دیگ بزرگی که از فلز خباثت ساخته شده، جمع کرده است. و از چاه‌های حوادث و مصائب خویش، آن دیگ را پر از دروغ و عهدشکنی کرده است. گویی استعمارگران کرم بید و مردم پشم هستند. آیا پشم در مقابل غارت کرم بید سالم می‌ماند؟ استعمارگران در سرزمین‌های تحت سلطه خویش، ظلم و ستم پروراندند.

۱۵. ای فرانسه حقوق ما را بازگردان و از آزار و اذیت ما دست بردار و وعده‌های دروغین نده. با وجود ظلم تو ما انسان‌های آزاده‌ای هستیم گرچه ظالمان ما بندگان خود محسوب می‌کنند. ما خواستار صلح و آرامش هستیم و اجازه‌ی سلطه و نیرنگ بر کسی نمی‌دهیم. عدالت برای ما کافی است و ما در پی انتقام جویی از حاکمان ظالم و ستم‌کار نیستیم.

منابع

- آیینہ وند، صادق، (۱۳۷۲)، پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب، تهران: نشر اطلاعات.
- ابن سمینة، محمد، (۱۹۹۲)، محمد العید آل خلیفة دراسة تحليلية لحياته، الجزایر: دیوان المطبوعات الجامعية.
- انصاری، محمود شکیب، (۱۳۷۶)، تطور الادب العربی المعاصر، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بقاعی، ایمان یوسف، (۱۹۹۴)، معروف الرصافی نار أم کلم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیگدلی، علی، (۱۳۶۸)، تاریخ سیاسی و اقتصادی عراق، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- پاینده، حسین، (۱۳۸۸)، نقد ادبی و دموکراسی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- جلیلی، مهدی، (۱۳۴۷)، سیاست خارجی عراق از پایان جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران: بانک بازرگان.
- الجمیلی، ع، (۱۳۷۰)، نگاهی به تاریخ سیاسی عراق، ترجمه: محمد حسین زوار کعبه، تهران: انتشارات حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- حجازی، بهجت السادات، (۱۳۸۷)، نیم‌نگاهی به شعر مقاومت، نامه‌ی پایداری مجموعه مقالات کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری خراسانی کرمان، صص ۷۳-۸۸.
- الجیوسی، سلمی خضراء، (۲۰۰۱)، الإتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث، ترجمه عبد الواحد لؤلؤه، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
- الحسنی، عبدالرزاق، (۱۹۲۰)، الثورة العراقیة الکبری، بیروت: دار الفکر.

- الحسنی، عبد الرزاق، (۱۹۳۵)، *العراق فی دوری الاحتلال و الانقلاب*، لبنان: صیدا للنشر و التالیف.
- خضر، عباس، (۱۹۶۸)، *أدب المقاومة*، القاهرة: دار الكتاب العربی.
- دیچز، دیوید، (۱۳۶۶)، *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران: نشر علمی.
- الرصافی، معروف، (۱۹۸۶)، *دیوان الرصافی*، بیروت، لبنان: دارالعودة.
- الرصافی، معروف، (۱۹۵۳)، *دیوان الرصافی*، مصر: دار الفكر العربی.
- الرصافی، معروف، (بی تا)، *مناهل الادب العربی (مختارات من معروف الرصافی)*، بیروت: مکتبه صادر.
- الریحانی، امین، (۱۹۸۸)، *قلب العراق*، بیروت: دارالجيل.
- الزاهری، محمد الهادی، (۱۹۲۶)، *شعراء الجزائر فی العصر الحاضر*، تونس: المطبعة التونسية.
- سعدالله، أبوالقاسم، (۱۹۶۸)، *محمد العید آل خلیفة رائد الشعر الجزائري فی العصر الحدیث*، مصر: دار المعارف.
- سعید، علی أحمد، (۱۹۷۸)، *الثابت و المتحول*، بیروت: دارالعودة، ط ۱.
- العبطة، محمود، (۱۹۹۲)، *معروف الرصافی حیاته و آثاره و مواقفه*، بغداد: دارالشؤون الثقافیة.
- العید آل خلیفه، محمد، (۲۰۱۰)، *دیوان محمد العید آل خلیفه*، الجزایر: دار الهدی.
- قدوره، زاهیه مصطفی، (۱۹۷۵)، *تاریخ العرب الحدیث*، بیروت: دار النهضة العربیة.
- کالین موکه، داگلاس، (۱۳۸۹)، *آیرونی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کرباسی، رشید، (۱۳۷۳)، «مقاله زبان شعر»، *روزنامه اطلاعات*، ۵ بهمن.
- ماله، آلبر، ایزدک ژول، (۱۳۴۰)، *تاریخ قرن نوزدهم و معاصر*، ترجمه حسین فرهودی، تهران: انتشارات ابن سینا.
- نجم، (۲۰۰۹)، «مدخل فی تعریف أدب المقاومة»، *مجلة ادبیات*، <http://www.persianstat.com>